

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته اپیدمیولوژی

عنوان:

تحلیل عوامل موثر بر بقای بیماران مبتلا به سرطان پستان شهر شیراز

در دوره زمانی ۸۹ - ۱۳۸۰

توسط:

مرتضى زارع

استاد راهنما:

دكتر فرزانه ذوالعلى

استادیار اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

اساتيد مشاور:

دكتر محمدرضا بانشى

دانشیار آمار زیستی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

دكتر عبدالرضا رجايي فرد

استاد آمار زیستی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دكتر عبدالرسول طالعى

استاد جراح عمومي دانشگاه علوم پزشكي شيراز

دكتر عباس رضاييان زاده

دانشيار اپيدميولوژي دانشگاه علوم پزشكي شيراز

سال تحصیلی: ۹۶-۱۳۹۳

## چکیده

مقدمه و هدف: سرطان پستان اولین و شایعترین عامل مرگ و میر در بین زنان در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه به شمار میرود. بر اساس شواهد موجود، شیوع این بیماری در بین زنان ایرانی در سنین پایین تر و با شدت بیشتری مشاهده می شود و در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، میزان بقای این بیماران در ایران پایین تر از دیگر کشورهاست. با توجه به رشد روزافزون شیوع سرطان پستان در بین زنان ایرانی، تحلیل عوامل تاثیر گذار بر بقای این گروه از بیماران از اهمیت بسزایی برخوردار است. بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر تعیین میزان بقا و عوامل خطر موثر بر بقای بیماران مبتلا به سرطان پستان در استان فارس است.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر، یک مطالعه ی کوهورت تاریخی میباشد. در این مطالعه اطلاعات تمامی بیمارانی که طی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ با تشخیص سرطان پستان به درمانگاه شهید مطهری شیراز مراجعه کرده بودند از طریق پرونده ی درمانی آنها جمع آوری شد.کلیه بیماران مورد بررسی پس از تشخیص بیماری توسط یک پزشک تحت عمل جراحی و پیگیری بعد از آن قرار گرفتند. در این مطالعه از آمارهای توصیفی جهت میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد فراوانی استفاده شد. برای محاسبه ی احتمالات بقا به طور کلی و همچنین در زیرگروههای متغیرهای مورد نظر از روش کاپلان مایر استفاده گردید و جهت تعیین اختلاف بین بقای گروههای مختلف از آزمون P-value گزارش شد.

به منظور برآوردخطر نسبی فاکتورهای موثر بر مرگ بیماران از رگرسیون کاکس تک متغیره استفاده شد و سپس جهت بررسی عوامل موثر بر رخداد مرگ پس از تعدیل اثر مخدوش کنندگی سایر متغیرها و با در نظر گرفتن تمام متغییرهایی که در تحلیل تک متغیره کوچکتر از ۲۵/د داشتند، از مدل رگرسیون چند متغیره ی کاکس استفاده شد و نسبت خطر و فاصله ی اطمینان ۹۵٪ برای آنها محاسبه شد.

یافته ها: نمونه مورد مطالعه شامل ۱۵۷۴ نفر از بیماران مبتلا به سرطان پستان شهر شیراز بود. میانگین سن این افراد در هنگام تشخیص سرطان۴۹/۷۴ سال بود. اکثر افراد مورد بررسی در سنین ۱۹ – ۱۵ سالگی ازدواج کرده بودند. همچنین سن اولین حاملگی دراکثر افراد تحت مطالعه ۲۴ – ۱۵ سال بود. از نظر سطح تحصیلات بیشتر افراد داری سطح تحصیلی ابتدایی بودند. در حدود نیمی از افراد مورد بررسی متاهل بودند و افراد بیوه درصد پایینی را از نظر وضعیت ازدواج به خود اختصاص داده بود. همچنین سن اولین قاعدگی در اکثر بیماران ۱۵ – ۱۲ سال بود. بین سایز تومور و تعداد گره های لنفاوی درگیر با خطر مرگ بیماران، ارتباط معنی داری مشاهده نشد. بر اساس یافتههای این پژوهش، خطر مرگ بیماران مبتلا به سرطان پستان ارتباط معنی داری باسن بیمار در زمان تشخیص بیماری(HR=0.49, p=0.005)، مرحله بیماری(HR=0.44, p=0.03))، درگیری غدد لنفاوی (HR=1.46, p=0.02))، روش جراحی لامپکتومی (HR=0.49, p=0.005)) و همیاری ازدواج (HR=0.49, p=0.005) داشت. همچنین بین نوع سرطان، اندازه تومور و تعداد گره های لنفاوی درگیر با خطر مرگ بیماران، ارتباط معنی داری مشاهده نشد(p>0.005).

نتیجه گیری: در مجموع یافتههای مطالعه حاضر نشان دهنده تاثیر طیف وسیعی از متغیرهای دموگرافیک و بالینی بر میزان مرگ بیماران مبتلا به سرطان پستان در کشور بیش از پیش آشکار میسازد. با توجه به اهمیت عوامل زمینهای موثر بر میزان بقای ناشی از سرطان پستان، لزوم توجه به برنامه ریزی های گسترده و مناسب در تشخیص و درمان سرطان پستان امری ضروری به نظر میرسد.

كليدواژه ها:سرطان پستان، تحليل بقا، ايران

Abstract

Introduction: Breast cancer is the most common cause of death among women in developed and

developing countries. The prevalence of breast cancer among Iranian women observed at an earlier

age with greater intensity compared with developed countries; the survival of these patients is lower

than in other countries. . With the growing incidence of breast cancer among women, analysis of factors affecting the survival of these patients is important. Therefore, the aim of this study was to

determine the survival and life expectancy of patients with risk factors for breast cancer in Fars

province.

Methods: This was a historical cohort study. The records of all patients diagnosed with breast cancer

between 1380 and 1389 in Shahid Motahari clinic were collected. All included patients underwent

surgery after diagnosis by a doctor and then were followed. The descriptive statistics as well as

mean, standard deviation and frequency tables were used. To calculate the probability of survival in

general and sub variables, the Kaplan-Meier method and Log Rank test were used to determine the

difference between survival groups and finally P-value was reported.

Results: The study included 1574 patients with breast cancer in Shiraz. The mean age of the patients

at the time of cancer diagnosis was 49.74 years. Most of the women aged 19-15 and were married.

The age at first pregnancy in most subjects was 24-15 years. Most had basic education level. About

half of those surveyed were married and the age of menarche in most patients was 15-12

years. According to the study, the risk of death in patients with breast cancer was significantly

associated with the age at diagnosis (HR = 0.49, p = 0.005), stage of the disease (HR = 3.94, p

<0.005), lymph node involvement (HR = 1.46, p = 0.02) and lumpectomy (HR = 0.44, p = 0.03).

Between tumor size (HR = 1.01, p = 0.72) and the number of involved lymph nodes (HR = 1.04, p = 0.72)

0.6) with the risk of dying patients, a significant relationship was observed.

Conclusion: The findings of this study revealed the impact of a wide range of demographic and

clinical variables on the patients with breast cancer death rate in the country. Given the importance

of contextual factors influencing the survival rate of patients with breast cancer, the importance of

proper diagnosis and extensive treatment planning seem to be necessary.

Keywords: Breast cancer, survival, Iran

77